



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Designing a model of financial governance in the social security organization: A grounded theory approach

Sh. Karimnezhad¹, R. Najafbeige^{1,*}, K. Daneshfard¹, A. Alamtabriz²

¹Department of Public Administration, School of Management and Economics, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

²Department of Industrial Management, School of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 14 October 2017

Revised: 16 November 2017

Accepted: 18 December 2018

ABSTRACT

The concept of financial governance refers to the method of managing the financial affairs of an organization in line with its organizational and strategic goals, in such a way as to ensure the creation of high levels of accountability to all stakeholders. Today, the social security system is facing financial instability for reasons such as demographic changes and economic crises. In this regard, as a solution, the adoption of the financial governance approach has been recommended by institutions such as the International Labor Organization and the International Social Security Union. Since the governance components must be adapted to the specific needs, values and social and economic conditions of each country, the purpose of this research is to achieve the model of financial governance in Iran's social security organization. The current research is of a qualitative type and based on the grounded theory method and was conducted by conducting in-depth interviews with 27 experts of the Social Security Organization who were selected using snowball sampling. Based on the data analysis and the research model, it can be concluded that financial stability is essential in order to maintain the social security organization's ability to respond to the beneficiaries by using strategies such as foresight, effective participation and transparency.

Keywords

Social Security; Responsibility; Financial Governance; Financial Stability; Grounded Theory.

***Corresponding Author:**

Email: rezanajafbagy1396@gmail.com

DOI: [10.22056/ijir.2018.04.04](https://doi.org/10.22056/ijir.2018.04.04)



مقاله علمی

طراحی الگوی حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی: رویکرد نظریه مبنایی

شهرام کریم‌نژاد^۱، رضا نجف‌بیگی^{۱*}، کرم‌الله دانشفرد^۱، اکبر عالم تبریز^۲

^۱گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده:

مفهوم حاکمیت مالی به روش مدیریت امور مالی یک سازمان در راستای اهداف سازمانی و استراتژیک خود اشاره دارد، به‌گونه‌ای که از ایجاد سطوح بالای پاسخگویی در قبال تمامی ذی‌نفعان اطمینان کسب شود. امروزه نظام تأمین اجتماعی به دلایلی همچون تغییرات جمعیت‌شناختی و بحران‌های اقتصادی با عدم ثبات مالی مواجه است. در این رابطه به عنوان یک راهکار، اتخاذ رویکرد حاکمیت مالی از سوی نهادهایی همچون سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی توصیه شده است. از آنجایی که اجزای حاکمیتی باید با نیازها، ارزش‌ها و شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص هر کشور سازگار شوند، هدف این پژوهش دستیابی به چگونگی الگوی حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی ایران است. پژوهش حاضر از نوع کیفی و به روش نظریه مبنایی بوده و با انجام مصاحبه ژرفنگر با ۲۷ نفر از خبرگان سازمان تأمین اجتماعی که با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برای انتخاب شده‌اند، انجام شده است. بر اساس تحلیل داده‌ها و الگوی پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ثبات مالی به منظور حفظ توانایی پاسخگویی سازمان تأمین اجتماعی در قبال ذی‌نفعان با استفاده از راهبردهایی همچون دوراندیشی، مشارکت اثربخش و شفافیت قابل احصاست.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶ مهر ۲۲

تاریخ داوری: ۱۳۹۶ آبان ۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷ آذر ۲۷

کلمات کلیدی

تأمین اجتماعی

حاکمیت مالی

نظریه مبنایی

*نویسنده مسئول:

ایمیل: rezanajafbagy1396@gmail.com

DOI: [10.22056/ijir.2018.04.04](https://doi.org/10.22056/ijir.2018.04.04)

مقدمه

بر اساس تعریف سازمان بین‌المللی کار، نظام تأمین اجتماعی استقرار نظامی قانونی برای تدارک و تأمین مالی نیازهای خاص دوران پیری، از کارافتادگی، بیماری، بارداری، حوادث شغلی، بیکاری، مرگ سرپرست خانواده و همچنین تأمین خدمات سلامت و حمایت از خانواده است (ILO, 2010). سازمان تأمین اجتماعی با پوشش نزدیک به چهل میلیون نفر، که حدود نیمی از جمعیت کشور را دربرمی‌گیرد، بیشترین نقش را در نظام تأمین اجتماعی ایران بر عهده دارد (سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۹۵).

نظام تأمین اجتماعی امروزه با چالشها و ریسکهای متعددی در زمینه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و سیاسی مواجه است (Rohregger, 2010). افزایش بیکاری و تغییرات جمعیت‌شناختی، نظام تأمین اجتماعی در کشورهای جهان را با کسری بودجه مواجه کرده است (Musalem and Ortiz, 2011).

با توجه به ماهیت بلندمدت حمایتهای تأمین اجتماعی و احتمال وجود مخاطرات متعدد در طول زمان، انتخاب نظام مالی مناسب در برنامه‌های نظام تأمین اجتماعی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است. چالشها مورد اشاره، دولتها و نهادهای درگیر را به اتخاذ رویکردهایی برای تضمین ثبات مالی و توانایی پرداخت تعهدات وارد کرده است (Ponds et al., 2011).

بر مبنای تعریف ارائه شده از سوی سازمان بین‌المللی کار، اصل ۲۹ قانون اساسی به موضوع تأمین اجتماعی پرداخته است. این اصل در متن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته و در آن جامعه ایرانی «برخودار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب» ترسیم شده است. بر اساس آنچه در مجموعه چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاستهای آن مطرح شده است، شیوه حاکمیت مالی سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند به عنوان طرح کلی متناسب و متضایر با آن تلقی شده و زمینه‌ساز مدل حاکمیتی و مدیریتی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ باشد. اگرچه بسیاری از ناکامیهای اقتصادی را می‌توان به متغیرهای سیاسی و اقتصادی نسبت داد اما نقش حاکمیت و راهبری مالی در تصمیمهای اقتصادی و دستیابی به ثبات مالی را نمی‌توان انکار کرد. درک بهتر حاکمیت می‌تواند نقشه راه یا مبنایی برای قضاوت در خصوص فرایندهای آتی، اصلاحات نهاد و تکامل در بخش دولتی را فراهم کند (منوریان، ۱۳۸۹).

استفاده از سازوکارهای حاکمیت مالی مناسب می‌تواند منجر به بهبود فرایندهای تصمیم‌سازی در سرمایه‌گذاری، مدیریت مؤثر ریسک و ارتقای عملکرد مالی سازمانها شود (Ogeh Fiador, 2013). اما آنچه که باید در استقرار حاکمیت در نظام تأمین اجتماعی کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شود، آن است که اجزای حاکمیتی باید در وهله اول با نیازها، ارزشها و شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص هر کشور سازگار شوند (Musalem and Ortiz, 2011).

اگرچه سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۵) و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (۲۰۰۸ و ۲۰۱۱) اقدام به انتشار اصول راهنمای استقرار حاکمیت مالی در نهادهای ارائه‌دهنده خدمات تأمین اجتماعی کرده‌اند، اما فعالیتهای حاکمیتی بر اساس ویژگیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی هر کشور متفاوت است (ISSA, 2011). هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش است که الگوی حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی چگونه می‌تواند باشد؟ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش دستیابی به الگوی مفهومی حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی است.

مرور نوشتگان

سازمان بین‌المللی کار در توصیه‌های ارائه شده به هیئت‌مدیره سازمانهای ارائه‌دهنده خدمات تأمین اجتماعی، که برای کشورهای مرکز و شرق اروپا منتشر کرده است، داشتن دانش لازم، امین‌بودن، حساس‌بودن به ذی‌نفعان و محیط، استقلال در تصمیم‌گیری در عین استفاده از مشاوره‌های تخصصی، شفافیت، کنش‌بودن، آینده‌نگری و داشتن نگرش کلان مدیریتی را به عنوان اجزای حاکمیت در تأمین اجتماعی معرفی کرد (ILO, 2005, 63-80).

این سازمان در کتابی دیگر تحت عنوان حاکمیت نظامهای تأمین اجتماعی، راهنمایی برای اعضای هیئت‌مدیره در کشورهای آفریقایی، حاکمیت مالی را در دو طبقه فعالیتهای اداری و مزایای پرداختی به ذی‌نفعان دسته‌بندی کرد. در حاکمیت مالی مربوط به اداره سازمان به موضوع حسابهای، کنترلهای حسابداری و بودجه‌ای، کنترل هزینه‌های اداری، نظارت بر اجرای بودجه، حسابرسی و مبارزه با تقلب و فساد پرداخته شده است. هزینه‌های اداری شامل حقوق و مزايا، نقلیه، ارتیاطات، هزینه‌های حرفه‌ای، اجاره، نگهداری، ملزمات اداری و هزینه استهلاک ساختمان و تجهیزات است. با اینکه به طور معمول بخش کوچکی از بودجه تأمین اجتماعی مربوط به این هزینه‌هاست، اما تأثیر بسیار بزرگی

بر تصویر عمومی سازمانها دارد. بنابراین کسب اطمینان از صرفه‌جویی در بودجه اداری از اهمیت بالایی برخوردار است. در حاکمیت مالی مربوط به مزایای بیمه‌ای مواردی همچون جداسازی حسابها، کنترل و پاسخگویی مطرح است. از دیدگاه این پژوهشگران، سازمانهای تأمین اجتماعی باید برای هر یک از برنامه‌های در دست اقدام خود، حسابهای جداگانه‌ای را در نظر داشته باشند تا قانون‌گذاران، مدیران و ذی‌نفعان، منابع و مصارف را به‌گونه‌ای شفاف درک کنند (ILO, 2010, 88-89).

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، در دستورالعمل راهنمای خود برای پیاده‌سازی حاکمیت در صندوقهای بازنیستگی، ساختار آن را شامل تبیین مسئولیت‌ها، پاسخگویی، شایسته‌سالاری در بدنۀ حاکمیتی، تغییض اختیار، مشاوره‌های تخصصی، حسابرسی مستقل، آکچوئری و حفاظت از داراییها^۱ معرفی می‌کند. سازوکارهای حاکمیتی ارائه شده توسط این سازمان کنترلهای داخلی مبتنی بر ریسک، گزارش‌دهی و افشاست (Stewart and Yermo, 2008).

موزالم و اورتیز^۲ (۲۰۱۱)، حاکمیت در نظام تأمین اجتماعی را شامل اصول پاسخگویی، شفافیت، پیش‌بینی‌پذیربودن و پویایی معرفی کردند. در این بین پویایی که ذاتاً به تغییر و بهبود در وضعیت موجود با انجام اثربخش‌تر و کاراتر فعالیتها، در پاسخ به نیازهای متغیر اعضا و ذی‌نفعان و به تبع آن خلق ارزش جدید اشاره دارد، به جنبه مثبت تغییر در حاکمیت است.

از دیدگاه بانک جهانی، حاکمیت تأمین اجتماعی شامل حاکمیت قانون، نقشها و کنترلهای است. در این چارچوب حاکمیت قانون، شامل معیارهای شفاف برای چگونگی ثبت‌نام بیمه‌شده و خروج از برنامه‌های است. نقشها و مسئولیت‌پذیری، شامل ارتباطات، پاسخگویی و چارچوب مشوّقه بوده و همچنین معیارهای پاسخگویی و کنترل، شامل مکانیسمهای اجرایی و فرایندهای کسب اطمینان از رسیدن منافع صحیح در زمان صحیح و به شخص صحیح است (Basset et al., 2012).

در پژوهشی با مشارکت برنامۀ توسعۀ سازمان ملل متحد (UNDP^۳) و صندوق توسعۀ سرمایه سازمان ملل متحد (UNCDF^۴) در سال ۲۰۱۲ که با هدف تحلیل حاکمیت تأمین اجتماعی در برخی از کشورهای آسیایی انجام شد، وضعیت حاکمیتی ارائه حمایتهای اجتماعی با هدف ارائه نقشه راهی برای توسعۀ تأمین اجتماعی در مؤسسه‌های دولتی هفت کشور بنگلادش، کامبوج، اندونزی، لائوس، مغولستان، نپال و تیمور شرقی بررسی شد. تمرکز‌زدی، افزایش ظرفیتها برای شناسایی جمعیت هدف، تقویت پایش و اندازه‌گیری، تقویت نظام پرداختها، تقویت پاسخگویی، ایجاد سازوکارهای رسیدگی به شکایات و توسعۀ ظرفیت انسانی و زیرساختها از جمله توصیه‌های ارائه شده از سوی این نهاد است.

فیادر^۵ (۲۰۱۳) با مطالعه روی نهادهای خیریه در کشور غنا، به این نتیجه رسید که از روی ساختارها و سیستمهای اثربخش می‌توان به حاکمیت مالی اثربخش رسید، اما آنچه در این بین کلیدی است بودجه‌بندی، تنفیذ بودجه، حسابرسی، کنترل داخلی، گزارش‌دهی و سیستمهای حسابرسی و مراقبتی است. از دیدگاه وی، حاکمیت مالی در سطح سازمانها، با تأکید بر بودجه‌بندی جامع و شفاف و همچنین ایجاد سیستم کنترل داخلی برای اطمینان از تطابق با اهداف، منجر به ارتقای مدیریت برنامه‌ها و پروژه‌ها می‌شود. با تعیین شاخصهای پایش مناسب، اطلاعات انتخاب، ثبت و تحلیل شده و برای بهروزشدن تصمیم‌سازی مدیریتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به این ترتیب حاکمیت مالی با ایجاد یک مکانیسم بازخورد مدیریتی باعث بهبود برنامه‌ها و کسب اطمینان در مورد استفاده صحیح از منابع و حمایت از تصمیم‌سازی صحیح می‌شود.

بر اساس الگوی ارائه شده از سوی وزارت همکاریهای اقتصادی و توسعۀ کشور آلمان^۶ حاکمیت مالی خوب شامل عملکرد شفاف، مبتنی بر قانون و توسعۀ محور دولت در حوزۀ تأمین مالی عمومی، در هر دو طرف هزینه و درآمد است. از این دیدگاه، حاکمیت مالی خوب، بیان‌کننده شرایطی است که به‌واسطه آن نهادها و اداره‌ای بر اساس حاکمیت قانون، پاسخگو و اثربخش بوده و در این راستا نهادها و سازوکارهای کنترلی توسط انجمنهای مردمی و مجلس برای ممیزی اثربخش این حوزه وجود داشته باشد. به این ترتیب با دیدگاهی یکپارچه و مبتنی بر ارزش، الگوی حاکمیت مالی در راستای دستیابی به توسعۀ پایدار ارائه شده است. این الگو دارای سه جنبه اصلی است که با یکدیگر در تعامل هستند.

1. Custodian

2. Musalem and Ortiz

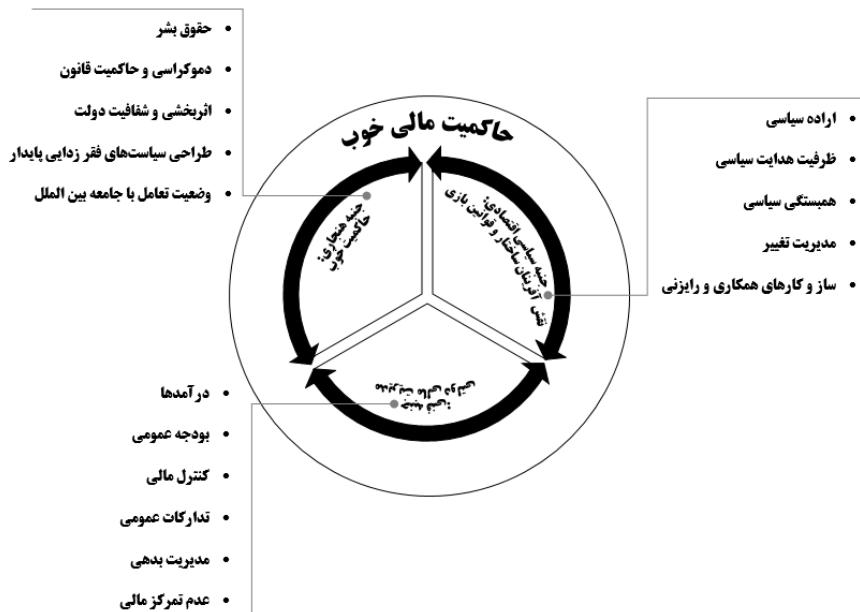
3. United Nations Development Program

4. United Nations Capital Development Fund

5. Fiador

6. Federal Ministry for Economic Cooperation and Development (BMZ)

در شکل ۱، روابط این سه جنبه شامل اصول حاکمیت خوب نظیر شفافیت و حاکمیت قانون (جنبه هنگاری)، چارچوب قانونی، ساختارها و منافع سیاسی (جنبه اقتصادی - سیاسی) و ابزارها و فرایندهای فنی که همان مدیریت مالی عمومی است (جنبه فنی) ارائه شده است.



شکل ۱: جنبه‌های حاکمیت مالی خوب (BMZ, 2014)

با توجه به محدودیتهای این پژوهش، مرور پیشینه نشان می‌دهد که مطالعات اندکی در زمینه حاکمیت مالی در نظام تأمین اجتماعی انجام شده است. در این پژوهش سعی می‌شود تا نسبت به شفاف‌سازی الگوی مناسب حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی با استفاده از روش پژوهشی داده‌بنیاد اقدام شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و با استفاده از روش نظریه مبنایی^۱ انجام شده است. این روش مبتنی بر رویکرد استقرایی در پژوهش‌های اجتماعی است که نخستین بار در سال ۱۹۶۷ توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی به نامهای گلیسر و استراوس^۲ معرفی و از آن زمان تاکنون رویکردهای متفاوتی در زمینه چگونگی انجام این نوع پژوهش ارائه شده است. در پژوهش حاضر روش نظاممند معرفی شده توسط استراوس و کورین^۳ که دارای سه مرحله برای تحلیل داده‌ها شامل کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری انتخابی^۶ است، استفاده شده است. کدگذاری فرایندی تحلیلی برای تشخیص مفاهیم و کشف ابعاد و خصوصیات آنهاست. مرزبندی ارائه شده بین انواع کدگذاریها مصنوعی بوده و

^۱. Grounded Theory

^۲. Glaser and Strauss

^۳. Corbin

^۴. Open Coding

^۵. Axial Coding

^۶. Selective Coding

ممکن است در طی آن گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر نیز اینجا **ایجاد کوہ پژوهشگران** با توجه به مفاهیم کشف شده از داده‌ها، به گردآوری داده‌ها در مورد افراد، رخدادها و موقعیت‌های مختلف می‌پردازند تا تصویر غنی‌تری را از مفاهیم^۱ و مقوله‌های^۲ حاصل ایجاد کنند (Strauss and Corbin, 1996). روش داده‌پردازی داده‌بنیاد برای مطالعه درباره موضوعات دارای ساختار پیچیده و یا موضوعات فاقد چارچوب نظری جامع به کار می‌رود. از آنجا که هدف این پژوهش ارائه الگوی حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی است، لذا از روش داده‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شد.

روش گردآوری و تفسیر داده‌ها

با توجه به قلمرو موضوعی پژوهش، جامعه آماری شامل ۲۷ نفر از خبرگان سازمان تأمین اجتماعی، به روش گلوله برفی انتخاب شد. مدل پژوهش از ترکیب یافته‌های مصاحبه‌های ژرف‌نگار انجام گرفته با ایشان استخراج شده است. در مصاحبه‌ها سؤالاتی درباره تلقی، برداشت و شاخصهای موردنظر مشارکت‌کنندگان درباره چالش‌های مالی پیش روی سازمان تأمین اجتماعی، راهبردهای فعلی و مورد انتظار و همچنین مهم‌ترین عوامل مؤثر در اثربخشی هزینه‌ای سازمان تأمین اجتماعی مطرح شد. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق با خبرگان، کدگذاری و تحلیل شد. در فرایند کدگذاری باز در پایان هر مصاحبه، مفاهیم شناسایی شد. ۱۲۴ مفهوم اولیه حاصل از کدگذاری باز شناسایی و سپس مفاهیم بر اساس ویژگیهای مشترک، مشابهت و ارتباطات مفهومی بین آنها دسته‌بندی شدند و به ۳۰ مقوله خرد و درنهایت ۱۴ مقوله کلان که تشکیل‌دهنده^۳ بعد اصلی پژوهش هستند دست یافتیم. به این منظور، با محوریت سؤالات نظری، مرحله استخراج مفاهیم و دسته‌بندی آنها به مقوله‌های خرد انجام گرفت و مقوله‌هایی که ایجاد می‌شد به عنوان راهنما برای پرسیدن سؤالات در مصاحبه‌های بعدی مورد استفاده قرار گرفت. به عبارتی این مقوله‌ها جهت‌گیری سؤالات را در مصاحبه‌های بعدی مشخص کرد. بر اساس دانش زمینه‌ای کسب شده از مطالعه نوشتگان موضوع، مقوله‌های خرد نیز با توجه به ارتباط مفهومی بین آنها، در سطح بالاتری از انتزاع به مقوله‌های کلان طبقه‌بندی شدند. مقوله‌های خرد، اطلاعاتی را درباره چرایی و چگونگی یک پدیده ارائه و به وضوح بیشتر مقوله کلان کمک می‌کنند. مقوله‌های کلان شالوده‌های ساختن نظریه بوده و به وسیله آنها می‌توان نظریه را یکپارچه کرد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). مقوله‌های کلان مرتبط با مقوله‌های خرد که در این پژوهش شناسایی شد، به شرح جدول ۱ است.

در مرحله کدگذاری محوری، پس از انجام کدگذاری باز و مشخص شدن مقوله‌ها، بر اساس ابعاد و ویژگیهای حاصل از آن و همچنین دانش حاصل از مطالعه نوشتگان و پیشینه، اقدام به مرتب‌سازی آنها شد تا در جای مناسب قرار گرفته و دانش فزاینده‌ای درباره روابط ایجاد شود. در این مرحله، مقوله‌ها از طریق گزاره‌هایی که مطرح‌کننده چگونگی ارتباط هستند، به زیرمقوله‌ها ربط داده می‌شود و مقوله‌ها بر اساس ویژگیها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می‌شوند (Strauss and Corbin, 1996).

¹. Concepts

². Categories

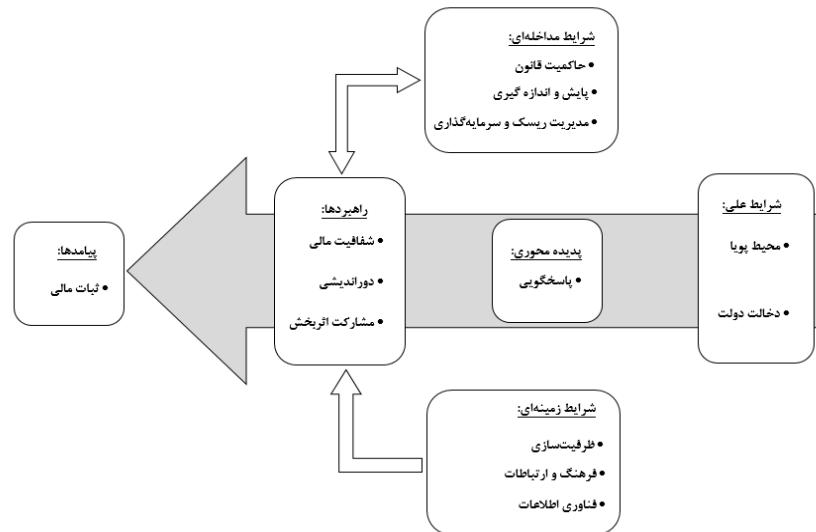
جدول ۱: تعیین مقوله‌های کلان و کدگذاری آن‌ها

مقوله خرد	مقوله کلان	ابعاد الگو
تغییرات جمعیت‌شناسخی	محیط پویا	
شرایط اقتصادی و اجتماعی		شرایط علی
بدهی‌های دولت	دخلات دولت	
استقلال عملکرد مالی		
سیاست‌های رفاهی	جامعیت	
کیفیت زندگی کاری		محوری
تناسب مزايا	کفایت	
تصمیم مزايا		
مدیریت ریسک	مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری	
سرمایه‌گذاری مؤثر		
بازنگری قوانین و مقررات	حاکمیت قانون	شرایط مداخله‌ای
اقدامات قانونی		
کنترل بودجه		
حسابرسی داخلی	پایش و اندازه‌گیری	
بازرسی و نظارت		
توانمندسازی	ظرفیت‌سازی	
شاپیوه سالاری		
ترویج مفاهیم بیمه‌ای		شرایط زمینه‌ای
ارتباط با ذی‌نفعان	فرهنگ و ارتباطات	
کدهای رفتاری		
توسعة خدمات الکترونیک	فناوری	
هوشمندسازی		
ذخایر احتیاطی		
تصمیم‌سازی استراتژیک	دور اندیشی	
موفقیت در وصول حق بیمه	مشارکت	راهبردها
گسترش پوشش بیمه‌ای		
تسهیل دسترسی به اطلاعات	شفافیت	
اطلاعات جامع و بهروز		
کفایت منابع	ثبت مالی	پیامد
پایداری منابع		

در مرحله کدگذاری محوری، پس از انجام کدگذاری باز و مشخص شدن مقوله‌ها، بر اساس ابعاد و ویژگیهای حاصل از آن و همچنین دانش حاصل از مطالعه نوشتگان و پیشینه، اقدام به مرتب‌سازی آنها شد تا در جای مناسب قرار گرفته و دانش فرایندهای درباره روابط ایجاد شود. در این مرحله، مقوله‌ها از طریق گزاره‌هایی که مطرح کننده چگونگی ارتباط هستند، به زیرمقوله‌ها ربط داده می‌شود و مقوله‌ها بر اساس ویژگیها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می‌شوند (Strauss and Corbin, 1996).

با استفاده از اطلاعات حاصل از پیشینه و معرف نوشتگان پژوهش، تحلیل داده‌ها و نظرات اساتید راهنمای، مشاور و گروه خبرگان با دسته‌بندی مقوله‌های کلان جامعیت و کفایت، مفهوم «پاسخگویی» به عنوان مقوله محوری انتخاب شد. گام بعدی در پژوهش حاضر، کدگذاری انتخابی است که همانا فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست. در این مرحله طبقه محوری به شکل نظاممند به سایر طبقات ارتباط داده می‌شود. از

آنچایی که روابط بین مقوله‌ها ممکن است بسیار طریق و صமی باشد، لذا در تحلیل تأمین اجتماعی در سازمان تأمین اجتماعی گوی حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی واقعی همواره نمی‌توان تمامی روابط میان رویدادها و پدیده‌ها را شناسایی و آشکار کرد. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های پژوهش در جلسه هماندیشی با هفت نفر از خبرگان مشارکت‌کننده مطرح شده و جایگاه آنها در الگوی حاکمیت مالی سازمان تأمین اجتماعی تبیین شد. حاصل این مراحل الگوی مفهومی پژوهش است که در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲: الگوی کدگذاری حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی

یافته‌های پژوهش

روایت نظریه حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی

استقرار حاکمیت مالی می‌تواند به سازمان تأمین اجتماعی در پاسخگویی به ذی‌نفعان خود کمک کند. آنچه اتخاذ رویکرد حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی را الزامی کرده است، نتایج محاسبات بیمه‌ای همچون کهنسالی جمعیت و کاهش موالید است. از سویی دیگر دخالت‌های دولت که می‌تواند به صورت تحمیل قوانین غیربیمه‌ای یا عدم پرداخت سهم دولت در مشارکت‌های حق‌بیمه باشد، منجر به انباست بدھیهای دولت و همچنین عدم تعادل در ورودیها و خروجیهای سازمان تأمین اجتماعی شده است. این شرایط می‌تواند پاسخگویی سازمان در قبال رعایت اصول جامعیت و کفایت مزایا را تحت تأثیر قرار دهد. در مدل حاکمیت مالی سازمان تأمین اجتماعی عوامل مرتبط با نیروی انسانی و زیرساختها نقش زمینه‌ای برای استقرار پاسخگویی را بر عهده دارند. در چنین بستری امکان اجرای راهبردهای لازم برای پاسخگوشندن سازمان تأمین اجتماعی ایجاد می‌شود. این راهبردها شامل شفافیت مالی، دوراندیشی و اثربخشی مشارکت‌ها هستند. شفافیت باعث افزایش اعتماد عمومی به سازمان تأمین اجتماعی و پیشگیری از فساد مالی می‌شود. دوراندیشی به درنظرگرفتن نیازهای نسل آتی و پوشش بیمه‌ای افراد از قبل از تولد (مراقبت‌های بارداری) تا پس از مرگ (مستمری بازماندگان) اشاره دارد.

شرایط مداخله‌های همچون حاکمیت قانون، پایش و اندازه‌گیری فرایندهای مالی و مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری بر راهبردها تأثیرگذارند. شفافیت در سایه حاکمیت قانون ایجاد می‌شود. در سایه حاکمیت قانون، قوانین در راستای تقویت پاسخگویی سازمان تأمین اجتماعی به خوبی تعریف شده و اجرا می‌شود. به منظور کسب اطمینان از اجرای قوانین، پایش و اندازه‌گیری فرایندها و مطابقت آن با شاخصهای تعیین شده الزامی است. پایشها به شناسایی انحرافات کمک کرده و امکان اصلاح و پیشگیری از وقوع آنها را فراهم می‌آورد. در اصلاح معابرها و برنامه‌ریزی برای پیشگیری از مخاطرات، ریسکها شناسایی و مدیریت می‌شوند. از آنچایی که سازمان تأمین اجتماعی به منظور پوشش حمایتها به صورت بین‌النسلی نیازمند سرمایه‌گذاری با اطمینان بازگشت سرمایه است، لذا مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری در پاسخگویی این سازمان یک ضرورت است. مجموع عوامل ذکر شده نظام حاکمیت مالی در سازمان تأمین اجتماعی را شکل می‌دهد که استقرار آن می‌تواند به ثبات، یکپارچگی و

کفایت مالی منجر شود. بر اساس الگوی مفهومی پژوهش انتظار می‌رود با استقرار مدل حاکمیت مالی پژوهش در سازمان تأمین اجتماعی نتایج

شهرام کریم‌نژاد و همکاران

زیر را شاهد باشیم:

حاکمیت مالی باعث حداکثرسازی اثربخشی استفاده از منابع خواهد بود. با اتخاذ رویکرد مدیریت ریسک در سرمایه‌گذاریها، اعمال مدیریت معقول^۱ (محاذنه)، حاکمیت قانون و شفافیت مالی می‌توان اثربخشی در استفاده از منابع را انتظار داشت. یکپارچگی مالی نیز با ایجاد تصویری کلی از داده‌ها و ستاده‌های سازمان به مدیران ارشد کمک می‌کند تا در راستای تعادل در منابع و مصارف تصمیم‌سازی کنند.

حاکمیت مالی باعث ایجاد سطوح بالای شفافسازی مبتنی بر حاکمیت قانون و پاسخگویی می‌شود. همچنین به‌واسطه حاکمیت قانون، پایش و اندازه‌گیری و گزارشگری مالی، نقش پیشگیرانه از فساد را بر عهده دارد.

حاکمیت مالی با توصیه بر اعمال مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری اثربخش، باعث اطمینان از موفقیت اقتصادی بلندمدت می‌شود.

حاکمیت مالی با ابزار بودجه‌ریزی جامع و شفاف و ایجاد سیستم کنترل داخلی باعث اطمینان از تطابق فرایندها با اهداف کلان می‌شود.

حاکمیت مالی به‌واسطه ابزارهای پایش و اندازه‌گیری به تصمیم‌سازی کمک کرده و با ایجاد یک مکانیسم بازخورد مدیریتی باعث بهبود برنامه‌ها و کسب اطمینان درباره استفاده صحیح از منابع می‌شود.

در جدول ۳ یافته‌های پژوهش با پیشینه تحقیقات انجام شده در این زمینه مقایسه شده است.

جدول ۳: مقایسه یافته‌های پژوهش با پیشینه موضوع

نهاد یا پژوهشگر	ابعاد ارائه شده	ابعاد مشترک با مدل پژوهش
فیدور (۲۰۱۲)	گزارش‌دهی مالی، کنترل داخلی، کنترل بودجه، تعیین نحوه اختصاص هزینه، مدیریت نقدینگی و چارچوب‌های پذیرش	نadar (کنترل‌ها در قالب پایش و اندازه‌گیری و گزارش‌دهی مالی در قالب شفافیت قابل تبیین است).
سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۵) (حاکمیت تأمین اجتماعی)	کنترل هزینه‌های اجرایی، کنترل بر حساب‌ها و کنترل‌های مالی و بودجه‌ای، شناسایی ریسک‌ها، پیشگیری از تقلب و فساد، حسابرسی و ایجاد اطمینان از شفافیت و عدالت	شفافیت و مدیریت ریسک (حسابرسی و کنترل‌ها در قالب پایش و اندازه‌گیری، همچنین پیشگیری از فساد در قالب مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری قابل تبیین است).
سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۰۹) (دستورالعمل راهنمای OECD برای حاکمیت در صندوق‌های بازنشستگی)	مسئولیت‌ها، بدنۀ حاکمیتی، پاسخگویی، شایسته‌سالاری در بدنۀ حاکمیتی، تفویض اختیار و مشاوره‌های تخصصی، حسابرس مستقل، آکچوئری و حفاظت از دارایی‌ها	پاسخگویی و محاسبات بیمه‌ای (شایسته‌سالاری در قالب ظرفیت‌سازی، حسابرسی مستقل در قالب پایش و اندازه‌گیری و حفاظت از دارایی‌ها در قالب مدیریت ریسک قابل تبیین است).
سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۰) (حاکمیت در نظام‌های تأمین اجتماعی)	بخش حاکمیت مالی در فعالیت‌های اداری با ابعاد حسابداری، کنترل بودجه و حسابرسی و بخش حاکمیت مالی در مزايا شامل ابعاد جداسازی حساب‌ها، کنترل و پاسخگویی	پاسخگویی (ابعاد حسابداری و کنترل بودجه در قالب پایش و اندازه‌گیری قابل تبیین است).
اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی (۲۰۱۱) موزالم و اورتیز (۲۰۱۱)	پاسخگویی، شفافیت، پیش‌بینی پذیری‌ومن، مشارکت و پویایی	پاسخگویی، شفافیت و مشارکت
صندوق توسعه سازمان ملل متحده (۲۰۱۲) (تقویت حاکمیت در حمایت‌های اجتماعی: نقش دولت‌های محلی)	تمرکزدایی، ظرفیت‌سازی، پایش و اندازه‌گیری، تقویت نظام پرداخت مزايا، تقویت پاسخگویی، رسیدگی به شکایات و توسعه منابع انسانی و زیرساخت‌ها در قالب فناوری اطلاعات و طرفیت‌سازی قابل تبیین است).	پاسخگویی، ظرفیت‌سازی و پایش و اندازه‌گیری (توسعه منابع انسانی و زیرساخت‌ها در قالب فناوری اطلاعات و طرفیت‌سازی قابل تبیین است).
صندوق بین‌المللی بول (۲۰۱۲) (باست و همکاران، ۲۰۱۲)	قوایین بازی، شامل: معیارهای شفاف برای ورود و خروج از برنامه‌ها، نقش‌ها و مسئولیت‌پذیری، شامل: ارتباطات، پاسخگویی و تعیین چارچوب مشوق‌ها و در هایت مکانیسم های اجرایی کنترل و فرایندهای کسب اطمینان	پاسخگویی، شفافیت و ارتباطات (کنترل در قالب پایش و اندازه‌گیری قابل تبیین است).

^۱. Prudent

اصول حاکمیت خوب نظیر شفافیت و حاکمیت قانون (جنبه هنگاری)؛ چارچوب قانونی، ساختارها و منافع سیاسی (جنبه اقتصادی سیاسی) و ابزارها و فرایندهای فنی که همان مدیریت مالی عمومی است (جنبه فنی).	وزارت همکاری‌های اقتصادی و توسعه آلمان (۲۰۱۴)
حاکمیت قانون و شفافیت	

مزیت این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام شده آن است که الگوی مفهومی این پژوهش حاصل نظرات خبرگان درگیر در فرایندهای سازمان تأمین اجتماعی و مبتنی بر عمل است. اما از آنجایی که به نظر می‌رسد هیچ مدل یا نظریه‌ای وجود نداشته باشد که به صورت مطلق تمام ابعاد وجودی یک پدیده را توضیح دهد، بنابراین این ادعا از سوی پژوهشگر مطرح نیست که در این پژوهش همه ابعاد واقعیت مربوط به پدیده مورد مطالعه تبیین شده باشد. این چنین است که علم را پایانی نیست و هر پایانی مقدمه‌ای بر آغازی دیگر است. در پژوهش داده‌بندیاد هدف ارائه الگو و نه آزمون آن است بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با انجام پژوهش کمی آزمون فرضیه‌های مربوط به الگوی ارائه شده در این پژوهش انجام گشود.

جمع‌بندی و پیشنهادها

بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود: با توجه به اینکه سازمان تأمین اجتماعی، دارای ساختاری پیچیده و چندبخشی (بخش‌های بیمه‌ای، درمان، سرمایه‌گذاری و بانک) است، پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد هماهنگی و همازایی، یکپارچگی در فرایندها و ساختار گزارش‌دهی ایجاد شود. یکپارچگی مالی منجر به ارائه حمایتها به تمامی بیمه‌شده‌گان با وجود طیف وسیعی از ریسکها می‌شود. وجود خطم‌شی‌های کلی و جهت‌گیری اهداف بخش‌های مختلف در راستای آن و همچنین شرایط یکپارچه مداخله‌ای همچون حاکمیت قانون در بخش‌های گوناگون، نظارت بر اجرای قوانین با استفاده از سیستمهای پایش و اندازه‌گیری تجمیع شده و مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری با درنظرگرفتن اقتضای تمامی بخشها، می‌تواند یکپارچگی مالی سازمان تأمین اجتماعی را در پی داشته باشد.

محاسبات آکچوئری و توجه به تغییرات جمعیت‌شناختی همچون سالمندی جمعیت در تصمیم‌سازی‌های سازمان تأمین اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

از ظرفیت‌های قانونی برنامه پنج ساله ششم توسعه کشور، برای به روزرسانی قوانین و مقررات سازمان و جلوگیری از تصویب قوانین غیربیمه‌ای که دارای اهداف سیاسی کوتاه‌مدت هستند، جلوگیری به عمل آید.

با توسعه پوشش بیمه‌ای برای مشاغل جدید (همچون کسب‌وکارهای الکترونیک)، کارگران کشورهای خارجی شاغل در کشور، ایجاد سیستم یکپارچه وصول حق بیمه و ارائه مشوقه‌ای قانونی برای کارفرمایان، درآمدها از محل مشارکتها افزایش یابد.

منابع و مأخذ

استراس، آ. کوربین، ج.، (۱۹۹۶). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دانایی فرد، ح. امامی، س.م.، (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه داده بندیاد. اندیشه مدیریت. سال اول، شماره ۲.

کرسول، ج.، (۲۰۰۷). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد. ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: انتشارات صفار.

Bassett, L.; Giannozzi, S.; Pop, L.; Ringold, D., (2012). Rules, roles, and controls: governance in social protection with an application to social assistance. World Bank, Washington, DC.

Berthelot, S.; Morris, T.; Morrill, C., (2010). Corporate governance rating and financial performance: a Canadian study. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 10(5), pp. 635-646.

BMZ., (2014). Good Financial Governance in German Development Cooperation: Promoting Good Governance in Public Finance. Federal Ministry for Economic Cooperation and Development, Germany.

Daykin, C.D., (2004). Financial governance and risk management of social security. *Studies* 28th ISSA General Assembly, Beijing, pp.12-18.

ILO., (2005). *Social Security Governance: A Practical Guide for Board Members of Social Security Institutions in Central and Eastern Europe*. International Labor Office, Budapest.

ILO., (2010). *Governance of Social Security Systems: a Guide for Board Members in Africa*. International Labor Organization. International Training Centre of the ILO, Turin, Italy.

ISSA., (2011). *ISSA Good Governance Guideline for Social Security Institutions*. International Social Security Association, Geneva.

Musalem, A.R.; Ortiz, M.D., (2011). Governance and social security: Moving forward on the ISSA good governance guidelines. *International Social Security Review*, 64(4), pp.9-37.

OECD., (2009). *OECD Guidelines for Pension Fund Governance*. Paris: OECD Publication.

Ogeh Fiador, V., (2013). Determinants of financial governance practices: evidence from NGOs in Ghana. *International Journal of sociology and social policy*, 33(1/2), pp.114-130.

Ponds, E.; Severinson, C.; Yermo, J., (2011). Funding in public sector pension plans-international evidence (No. w17082). National Bureau of Economic Research.

Rohregger, B., (2010). Social protection and governance. German Technical Cooperation, 3.

Stewart, F.; Yermo, J., (2008). *Pension fund governance: Challenges and potential solutions*. OECD Publication's, 8.

UNDP and UNCDF., (2012). *Strengthening the Governance of Social Protection: The Role of Local Government*. UNDP and UNCDF Working Paper. Bangkok, Thailand.